

مفقوره می تساوی

زن و مرد و

دیدگاه اسلام



# از نشرات حزب التحرير

چاپ اول عربي

۱۲ جمادی الثاني ۱۴۳۵هـ.ق - جنوری ۱۹۵۴م

چاپ اول دری

۲۰ ذوالقعدة ۱۴۴۱هـ.ق - ۱۲ جولای ۲۰۲۰م



[www.ummatproduction.com](http://www.ummatproduction.com)

کابل - افغانستان

## فهرست مطالب

۱	آیات افتتاح
۳	پیشگفتار
۶	مقدمه
۱۱	آغاز
۱۲	پیش‌گیری در کارهای خیر، نه در مساوات برای رضایت
۲۱	خانواده؛ نخستین دژ در برابر مزدوری و خاستگاهی برای
۲۸	قانون اساسی کجا و سوره‌ی نور کجا؟
۳۴	فرجامین سخن

# مفکورهی تساوی زن و مرد و دیدگاه اسلام

## بخش زنان دفتر مطبوعاتی مرکزی

این رساله در برگیرنده سخنرانی‌هایی می‌باشد که بانوان حزب التحریر در تونس آماده نموده و در یک همایش سیاسی که در ۱۲ اپریل سال ۲۰۱۴م برگزار شده بود، ایراد نموده بودند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## آیات افتتاح

﴿لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ ﴿٤٦﴾ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرَضُونَ ﴿٤٨﴾ وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿٤٩﴾ أَفِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥١﴾ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٥٢﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنْ أُمرِّنَهُمْ لِيَخْرُجْنَ قُلْ لَا تُفْسِمُوا طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٥٣﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٥٤﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿انور: ٤٦-٥٦﴾

ترجمه: ما آیات روشن گری نازل کردیم و الله هرکسی را بخواد به صراط مستقیم هدایت می کند! آن ها می گویند: «به الله و پیامبر ایمان داریم و اطاعت می کنیم!» ولی بعد از این ادعا، گروهی از آنان روی گردان می شوند؛ آن ها (در حقیقت) مؤمن نیستند! و هنگامی که از آنان دعوت شود که به سوی الله و پیامبرش بیایند تا در میان شان داوری

کند، ناگهان گروهی از آنان روی گردان می‌شوند! ولی اگر حق داشته باشند (و داوری به نفع آنان شود) با سرعت و تسلیم به‌سوی او می‌آیند! آیا در دل‌های آنان بیماری است، یا شک و تردید دارند، یا می‌ترسند که الله و رسولش بر آنان ستم کنند؟! نه، بلکه آن‌ها خودشان ستمگرند! سخن مؤمنان، هنگامی که به‌سوی الله و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم!» و این‌ها همان رستگاران واقعی هستند. و هرکس الله و پیامبرش را اطاعت کند و از الله بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند! آن‌ها با نهایت تأکید سوگند یاد کردند که اگر به آنان فرمان دهی، (از خانه و اموال خود) بیرون می‌روند (و جان را در طبق اخلاص گذارده تقدیم می‌کنند)؛ بگو: «سوگند یاد نکنید؛ شما طاعت خالصانه نشان دهید که اللهوند به آن چه انجام می‌دهید آگاه است!» بگو: «الله را اطاعت کنید و از پیامبرش فرمان برید! و اگر سرپیچی نمایید، پیامبر مسوول اعمال خویش است و شما مسوول اعمال خود! اما اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد و بر پیامبر چیزی جز رساندن آشکار نیست!» الله به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترس‌شان را به امنیّت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقانند. و نماز را برپا دارید و زکات را بدهید و رسول (الله) را اطاعت کنید تا مشمول رحمت (او) شوید.

## پیشگفتار

سیاس پروردگاری را که هیچ دینی بغیر از دین وی، هیچ شرعیتی غیر از شریعت وی، هیچ حکمی غیر از حکم وی و هیچ هدایتی به غیر از هدایت وی نیست و درود و سلام بر محمد صلی الله علیه وسلم، رهبر و نور چشم و رهنمای ما به سوی الله متعال و بر اصحاب وی باد!

بار الها! حق را همان گونه که هست، برای ما بنما! پیروی از آن را نصیب ما فرما! باطل را با همان شکل باطل اش برای ما نشان ده و ما را از آن دور کن! و بعد.

از زمانی که الله متعال محمد صلی الله علیه وسلم را به رسالت اسلام برگزید، این دین در مبارزه با کفر و باطل بوده و هست. مبارزه فکری، عقیده‌وی و مبارزه مادی با ارتش و اسلحه ادامه داشت تا این که کافر استعمارگر دولت اسلامی (دولت خلافت) را نابود کرد؛ همان جا بود که این مبارزه فکری وحشیانه، شدت بیشتر گرفت. شاید یکی از برجسته‌ترین موضوعات مبارزه فکری این باشد که کافر استعمارگر با بازی و تلاش در قضیه زن؛ قضیه‌ای که قلم‌های زیادی جهت نوشتن آن برداشته شد، بحث پیرامون این موضوع منبرها را به خود اختصاص داد، انجمن‌ها و سازمان‌های زیادی برای دستیابی حقوق زن و نایل آمدن به مساوات مطلق میان مردان و زنان ایجاد شد.

بنابر این، آگاهی از این برنامه‌ها و تلاش خسته‌گی ناپذیر جهت افشاء نمودن خباثت و اهداف این برنامه‌ها لازمی‌ست. در این زمینه همایش سیاسی‌ای از طرف بانوان حزب التحریر در ولایه تونس تحت عنوان: «کدام مساواتی را می‌خواهند؟ و ما خواهان کدام قانون استیم؟» به تاریخ ۲۰۱۴/۰۴/۱۲م برگزار گردید تا آگاهی و فهم زنان مسلمان را بر واقعیت توطئه‌های مرتبط به زنان؛ چون مساوات و سائر موارد بازتاب دهند؛ هم‌چنان



برای این که واقعیت اصلی برنامه‌ها و قضیه سرنوشت‌سازی را که باید زنان بدان پردازند، توضیح دهند.

در این همایش، واقعیت زندگی سیاسی آلوده به مزدوری، بردگی، تسلیمی و فرومایه‌گی توضیح داده شده و نیز فراخوانی زنان جهت اشتراک فعال به چنین طرز زندگی، تقبیح شد. پس آیا زنان فریفته کسانی شده‌اند که قانون استعمار و کفر را تایید می‌کنند؟ یا فریفته برابری با مردانی‌اند که جبین حقارت و فرومایه‌گی را در برابر غرب به زمین سائیده‌اند؟ یا هم شیفته برابری با کسانی‌اند که مدت‌ها در مجلس قانون‌گذاری به قانونی کف زده‌اند که با دیکته اربابان‌شان وضع شده بود؟

بدون شک، زن مسلمان تساوی حقیقی را در رقابت با مرد به سان دو مبارز هم‌سطح در حمل امانت اسلام جهت بدست آوردن رضای الله متعال می‌بیند و زن مسلمان نباید چیز دیگری غیر از این را به دوش کشیده و یا مطابق آن زندگی کند. در یکی از موضوعات این همایش، نقش خانواده را در پرورش و تربیه دولت‌مردان شایسته روشن ساخت؛ نه مزدوران، احمقان و فرومایه‌گان؛ چون مفاهیم اسلامی هرگز شخصیتی را تربیه نمی‌کند؛ مگر این که او را به سیاست‌مدار رهبر و آگاه مبدل می‌سازد که از ظلم، ستم، ذلت و فرومایه‌گی متنفر باشد.

خلاصه‌ی کلام: بانوان حزب‌التحریر-تونس از طریق این همایش عدم مشارکت‌شان را در تحکیم فکری، قانون‌گذاری استعمار و ربودن زندگی سیاسی تحت شعارهای دروغینی چون: مشارکت زنان در کار سیاسی و منصب‌های عالی، اعلان نمودند. آنان هم چنین از پیوستن به کسانی که در مقابل ظلم و دیکته‌های غرب زیر نام مساوات، سکوت اختیار نموده‌اند، امتناع ورزیده و همه‌ی مردم؛ اعم از مردان و زنان را در فعالیت سیاسی جهت ایجاد خلافت راشده بر منهج نبوت، فراخوانده و به مشارکت یا مساواتی که باعث رضایت استعمار می‌گردد، نه گفتند.

برخورد شرکت کنندگان این همایش، بسیار خوب بود؛ زیرا بسیاری از آنان  
علاقه‌مندی‌شان را به فعالیت سیاسی به اساس دین مقدس اسلام ابراز نمودند.

أم رحمة

بخش زنان حزب التحریر-تونس

## مقدمه

سپاس پروردگار عالمیان راست که با نعمت اسلام بر ما منت نهاد و درود و سلام بر رسول الله صلی الله علیه وسلم، و بر یاران و پیروان اش باد!

بانوان حزب التحریر-تونس در ۱۲ اپریل ۲۰۱۴م همایشی را موفقانه تحت عنوان: «کدام مساواتی را می‌خواهند؟ و ما خواهان کدام قانون استیم؟» برگزار نمودند. این همایش به چگونگی برخورد زنان تونس در مقابل فراخوانی‌های تحکیم برابری مطلق میان مرد و زن که در همین اواخر در قانون اساسی کشورها مورد تایید پارلمان‌های شان قرار گرفته است، راه‌حل ارئه نمود. این رساله شامل موضوعاتی می‌باشد که دربرگیرنده این رویدادهای مهم است.

دولت‌های سکولر غربی، نهادها و جنبش‌های زنان از چندین دهه بدین سو شعار دروغین برابری جنسیتی را در جهان اسلام سر داده و مدعی‌اند که این موضوع باید به‌عنوان یک ارزش جهانی پذیرفته شود تا از این طریق، جایگاه زنان و حقوق‌شان حفظ و زندگی‌شان بهبود یابد. در نتیجه این مفهوم که زن و مرد از حق یکسان، نقش و آزادی انتخاب در زندگی برخوردار می‌گردند، در معاهدات بین‌المللی و قوانین کشورهای موجود در جهان اسلام و غیر اسلام به‌طور یکسان وارد گردید. آنان این فکره را بالای مردم خود تحمیل و ترویج نمودند که گویا آن «گلوله نقره‌ای» می‌باشد که از طریق آن می‌توان به معالجه ظلم و ستمی که زنان در سطح دنیا با آن روبه‌رو هستند، پرداخت و ادعا می‌نمایند که این مفهوم یگانه مقیاس چگونگی برخورد کشورها با زنان است.

اسلام قاطعانه برابری جنسیتی را رد نموده و آن را یک ارزش جهانی نمی‌داند. اسلام حقوق و وظایف مرد و زن را به اساس برابری و خواهشات‌شان تعیین نمی‌کند؛ بلکه آن را به اساس احکامی که الله متعال تشریح نموده است، مشخص می‌سازد. از دیدگاه اسلام مردان و زنان در بعضی عرصه‌ها؛ چون: آموزش، زندگی اقتصادی، سیاسی و غیره

حقوق و وظایف برابری دارند؛ اما بعضی دیگر از این حقوق و وظایف میان آنان متفاوت می‌باشد. به‌گونه مثال: احکام متعلق به نظام اجتماعی و خانواده میان زن و مرد در نقش و حقوق‌شان تفاوت واضح را بیان می‌کند. اسلام وظیفه مرد را سرپرست خانواده و تهیه کننده نفقه دانسته و زن را خانم خانه و پرستار اطفال‌اش می‌داند. گذشته از آن، مفهوم برابری جنسیتی برخواسته از مفاهیم بیگانه غربی بوده و در نتیجه ظلم و چشم‌پوشی از حقوق اساسی آموزشی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی به وجود آمده است؛ حقوقی که زنان تحت سیطره نظام‌های غربی سیکولریستی وضعی از آن محروم شدند. این تاریخی که چنین قانون‌گذاری حقوقی را تایید و کمک نموده است، ربطی به اسلام ندارد. اسلام حمایت از حقوق زنان را در دولت اسلامی که توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در مدینه منوره تاسیس شده بود، به‌دوش گرفته که قرن‌ها زیر چتر خلافت تطبیق گردیده است. این مفهوم (برابری جنسیتی) با ثقافت/فرهنگ مردم تونس و سایر مسلمانان مغایرت دارد، زیرا عقاید مسلمانان محکم و میراث و تاریخ‌شان از اسلام سرچشمه گرفته است. به همین دلیل، میلیون‌ها زن مسلمان در سراسر جهان این آرمان‌ها و ارزش‌های غربی را رد می‌کنند، در عوض احکام و ارزش‌های اسلام را اساس زندگی‌شان پذیرفته‌اند. زنان مسلمان در تلاش این‌اند که منظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در کشورهای خود به اساس عقاید، ارزش‌ها و احکام اسلامی شکل دهند. اندیشه‌ی برابری جنسیتی، در بیش از یک قرن با وجود تلاش زنان غربی و ایجاد قوانین بی‌شمار برابری جنسیتی که طی چند دهه‌ی اخیر تصویب گردید، در وفا نمودن به وعده‌هایی که به زنان داده شده بود، ناکام گردیده است. با این حال کشورهای غربی از نابه‌هنجاری‌های همه‌گیری چون: خشونت، آزار جنسی، تجاوز جنسی و تبعیض علیه زنان رنج می‌برند. افزون بر این، این مفکوره که زن باید وظیفه‌ی مرد را به‌دوش گرفته و نان‌آور خانواده باشد، برای زن سنگینی می‌کند و در عین زمان زن را از امتیاز دریافت مخارجی که مرد و یا دولت پرداخت آن را به‌دوش دارد، محروم ساخته است.

این کار شکل نابودگر جایگاه زنان را به خود گرفت، از این رو تعدادی زیادی از زنان بدون دریافت نفقه رها و یا مجبور شدند تا به تنهایی به خاطر بدست آوردن لقمه نانی برای خود و خانواده‌شان مبارزه نمایند. در نتیجه نزاع برخاسته از برابری جنسیتی میان زن و شوهر نیز در رابطه به حقوق و مسولیت‌ها، آسیب سهمگینی به سلامتی خانواده وارد شده است. هم‌چنان، این مفکوره حقوق آن‌عده از اطفالی را که در کودکستان‌ها و پرورشگاه‌ها تربیت شده‌اند، آسیب رسانده است؛ چون این مفهوم فشار اقتصادی و اجتماعی را بالای مادران وارد نموده تا همسان با مردان کار نموده و مسولیت مهم‌شان را که همان پرورش نسل آینده می‌باشد، ترک نمایند. از بلند رفتن مشکلات روانی و رفتاری و هم‌چنان مشکلات آموزشی در میان اطفال و نوجوانان در کشورهای مختلف غربی مانند سوئد که بزرگ‌ترین کشور جهان در قضیه برابری جنسیتی می‌باشد، نسبت داده شده است.

قضیه برابری جنسیتی بنیان خانواده مسلمان را بعد از به حاشیه راندن مفهوم مادری و برهم زدن دیدگاه اسلام پیرامون نقش اساسی زن به‌عنوان مادر و خانم، از هم پاشید. اسلام برای زنان مسولیت‌های اساسی را چون آموزگار بودن برای اطفال‌شان؛ مریبان نسلی که در برگزیده شخصیت‌های اسلامی، اعم از مردان و زنان و بندگان مخلص الله تعالی و رعیت صالح و خدمت‌گذارانی که ممثل سلوک و اخلاق حمیده در دولت آینده خواهند بود، لازم گردانیده است. بدین صورت، این نسل مصدر خیر برای جوامع‌شان و آتش سوزنده ظلم و فساد و حامی این دین (اسلام) و حامل دعوت اسلامی خواهند بود. و آنان تمام درد و رنج امت و جوامع را به دوش کشیده و اوصاف رهبریت تمامی بشریت در آنان متجسد خواهند گردید.

برعلاوه نقش حیاتی، اسلام برای زن لازم نموده است تا در جوامع‌شان به‌عنوان فعالان سیاسی درخشان و حکام را محاسبه کنند و هم‌چنان امور مردم را مطابق با احکام اسلامی تنظیم نموده و در مقابل ظلم، ستم و فساد بایستند و امر به معروف و نهی از منکر کنند. امروزه زنان نقش اساسی را در تحقق دیدگاه جدید سیاسی در سرزمین‌های اسلامی

بازی می‌کنند که این عمل کرد آنان به عقیده‌ی اسلامی ربط داده می‌شود. ولی واقعیت موجود در تمام کشورهای دنیا به این امر دلالت می‌کند که بهبود حقیقی زندگی مردم بر مبنای قوانین و نظام‌های سکولریستی که نتوانسته است تا احترام، امنیت و هم‌دیگر پذیری را در شرق و غرب تأمین کند، امکان پذیر نیست. هم‌چنان آینده‌ی زن در جهان اسلام با تمسک داشتن به افکاری چون برابری جنسیتی از دیدگاه قانون که عملاً ناکام بوده و قابلیت تطبیق را ندارد، زیاد روشن نخواهد بود. لازم است تا مرزی برای تجارب بدست آمده از مفاهیم غلط و بیگانه غربی در نظر گرفته شود و بحثی پیرامون مفهوم برابری جنسیتی صورت نگیرد؛ مگر این که آن را به‌عنوان نابود کننده حقوق زن و تصویری از ظلم بالای زنان و کودکان خواند که شکل کاذبانه و گمراه کننده‌ای را از پیشرفت و رفاه در زندگی زنان به تصویر می‌کشد.

قانونی که به‌شکل کامل آن از اسلام گرفته می‌شود، تمام افکار غربی و بیگانه‌ای چون برابری جنسیتی را رد نموده و تغییر واقعی و کامل را در زندگی زنان تونس و جهان اسلام وارد خواهد کرد. بناءً نظام اجتماعی در اسلام یگانه نظامی است که وظایف و حقوق مردان و زنان را به‌شکل تکاملی، نه رقابتی، تنظیم نموده و زندگی زناشویی و خانوادگی را آراسته و منسجم می‌سازد. اسلام برای مردان و زنان اجازه نمی‌دهد تا حقوق و وظایف‌شان را مطابق خواست‌های خودخواهانه و کورکورانه شخصی خود تعیین نمایند که به جز اضطراب و ازهم پاشیدگی چیزی دیگری را در پی ندارد؛ بلکه مسوولیت‌ها و حقوق را به‌شکل صحیح، عادلانه و واقع‌بینانه تنظیم نموده که خیر همه‌گان، اعم از مردان، زنان و کودکان در آن تضمین خواهد شد. قوانین نظام اجتماعی اسلام اکرام زن و تداوم آن را در جامعه و هم‌چنان نفقه و امنیت دائمی و نقش اساسی وی را به‌عنوان کدبانوی خانه با بهترین وجه ضمانت می‌کند. این همه موارد به جز در زیر چتر دولت خلافت امکان پذیر نخواهد بود؛ دولتی که نظام‌های صحیح الله سبحانه و تعالی را در عرصه‌های سیاست، اقتصاد، آموزش و قضاوت تطبیق می‌کند. این دولت تمام حقوق اسلامی را که الله متعال

به شکل حقیقی و واقعی در زندگی برای زن ارزانی داشته است، ضمانت می‌نماید و مانند قوانین وضعی نادرست بشری برای شان وعده‌های دروغین و پوشالی نمی‌دهد. مقاله‌های این رساله به گونه‌ی همه‌جانبه بعضی از افکاری را که در بالا تذکر یافت، پیشکش می‌کند. در فرجام از زنان مسلمان می‌خواهیم تا با خواهران شان در حزب التحریر به خاطر اعاده نظام بزرگ اسلام، جهت تطبیق دوباره آن در سرزمین‌های اسلامی پیوندند و با تطبیق این نظام، در زندگی دنیا و آخرت پیروزی و اجر بزرگی را بدست آورند. الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ [نور: ۵۲]

ترجمه: و هرکس الله و پیامبرش را اطاعت کند، از او (سبحانه و تعالی) بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیرومندان واقعی هستند!

**دکتر نسرین نواز**

**عضو دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر**

## آغاز

سپاس الهی را که هیچ دینی به غیر از دین وی، هیچ شرعیتی غیر از شریعت وی، هیچ حکمی غیر از حکم وی و هیچ هدایتی به غیر از هدایت وی نیست و درود و سلام بر محمد صلی الله علیه وسلم، رهبر و نور چشم و رهنمای ما به سوی الله متعال و درود بر اصحاب وی باد!

بارها! حق را همان گونه که هست، برای ما بنما و پیروی از آن را نصیب ما فرما و باطل را با همان شکل باطل اش برای ما نشان ده و ما را از آن دور کن! و بعد.

از زمانی که الله متعال محمد صلی الله علیه وسلم را به رسالت اسلام برگزید، این دین در مبارزه با کفر و باطل بوده و هست؛ مبارزه فکری، عقیدوی و مبارزه مادی با ارتش و اسلحه ادامه داشت تا این که کفار استعمارگر دولت اسلامی (دولت خلافت) را نابود کرد، همان جا بود که این مبارزه فکری خطرناک شدت بیشتر گرفت. شاید یکی از برجسته ترین موضوعات مبارزه فکری این باشد که کفار استعمارگر با بازی و تلاش در قضیه زن؛ قضیه ای که قلم های زیادی جهت نوشتن آن برداشته شد، بحث پیرامون این موضوع منبرها را به خود اختصاص داد و همایش ها و سازمان های زیادی برای دستیابی حقوق زن و رسیدن به برابری مطلق میان مردان و زنان ایجاد شد. بناءً آگاهی از این برنامه ها و تلاش خستگی ناپذیر برای افشاء نمودن خباثت و اهداف آن لازمی ست. بدین اساس امروز خواستیم تا همایش ما تحت عنوان: «کدام برابری را برای زن می خواهند؟ و ما خواهان کدام قانونی هستیم؟» باشد تا آگاهی و فهم زنان مسلمان را بر واقعیت توطئه های مرتبط به زنان؛ چون مساوات و سایر موارد بازتاب پیدا نموده و هم چنان برای این که واقعیت اصلی برنامه ها و قضیه سرنوشت سازی را که باید زنان بدان بپردازند، توضیح داده شود.



## پیش‌گیری در کارهای خیر، نه در مساوات برای رضایت استعمارگران سیکولریست

حمد و ستایش الله متعال راست، از وی طلب کمک و بخشش نموده و از بدی‌های نفس و اعمال‌مان به او پناه می‌بریم؛ کسی را که الله متعال هدایت کرده باشد، هیچ‌کسی وی را گمراه نخواهد کرد و کسی را که او سبحانه و تعالی گمراه کند، هیچ هدایت‌گری برایش نیست و شهادت می‌دهیم که هیچ معبودی جز الله متعال نبوده و وی واحد و لاشریک است و محمد صلی الله علیه وسلم بنده و رسول او تعالی است.

از خالق و شریعت‌گذار بودن الله متعال و از دین و منهج بودن اسلام و از نبی و رسول بودن محمد صلی الله علیه وسلم و از کتاب و قانون بودن قرآن کاملاً راضی هستیم! اما بعد!

خواهران عزیز! السلام علیکن ورحمت الله وبرکاته!

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ [احزاب: ۳۶]

ترجمه: هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که الله و پیامبرش امری را داورى (و آن را مقرر نموده باشند) اختیاری (در برابر فرمان الله) داشته باشد و هرکس نافرمانی الله و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است!

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا

يُظَلَّمُونَ نَقِيرًا﴾ [نساء: ۱۲۴]

ترجمه: و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، آن‌ها داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به ایشان نخواهد شد.

آری! قضیه ما و شما در این زندگی یکی بوده که آن عبارت از بدست آوردن رضایت الله متعال می‌باشد. بناءً ما اسلام‌مان را با افتخار، اعتزاز و قناعت به جان و دل می‌پذیریم و تمام امور مان را به اسلام قیاس نموده و هرچیزی که برای مان پیشکش شود، در ترازوی اسلام وزنش می‌کنیم، پس در تمام موارد چون: فکرة، دعوت و امور، تنها مقیاس و میزان ما اسلام خواهد بود.

گذاشتن اندیشه‌ی تساوی جنسیتی در ترازوی اسلام برای هر زن مسلمانی که در جستجوی رحمت الهی است و از عذاب‌اش می‌هراسد، حتمی است.

غرب کافر به این نتیجه رسیده است که اگر اراده و اداره نیک زنان مؤمنه نباشد، هیچ گاهی شخصیت‌های چون صلاح الدین و محمد فاتح ظهور نخواهند کرد. آنان درک نموده‌اند که تقوای زنان مؤمنه از گذشته تا به حال، مصدر قوت و بلندی امت محمد صلی الله علیه وسلم بوده است. قسمی که اسرار قوت ما را درک نموده و حملات فکری برنامه‌ریزی شده‌ی سرمایه‌داری را با کمک بعضی از فرزندان این امت در سرزمین‌های اسلامی به راه انداخته‌اند که در این حملات زن مسلمان هدف اساسی آنان است. بناءً هرگز نباید سخن این مرد متعصب صلیبی (گلاستون) را فراموش کرد که گفته است: «وضعیت بشر هیچ‌گاهی بهبود نخواهد یافت تا زمانی که حجاب از روی زن مسلمان برداشته شده و با آن قرآن پیچانده شود.»

به راستی الله متعال زن و مرد را به شکل یکسان در امانت‌داری از اسلام مکلف نموده و در روز رستاخیز، اسلام به تمام مسلمانان مرور کرده خواهد گفت: پروردگارا! این مرا یاری کرد، پروردگارا! این مرا رها کرد و یاری نکرد! از این رو، برای زنان و مردان، وفا نمودن به حق امانت اسلام لازم است.

﴿وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ﴾ [مطففین: ۲۶]

ترجمه: و در این (امر) پیشی‌گیرندگان باید بر یکدیگر پیشی‌گیرند!

پس قضیه زن مسلمان در حقیقت یاری دادن این دین و بلند بردن شأن آن است که حق و از جانب پروردگار عالمیان بوده و چیزی دیگری غیر از آن تا روز رستاخیز، باطل و زیان آور خواهد بود. بناءً زن مسلمان شیفته مساوات با کسی نیست که از حمل امانت الهی شانه خالی نموده و به آن پشت گردانیده است. هم چنان زن مسلمان علاقه‌مندی برابری با کسی را ندارد که قانون استعمار را تصویب نموده باشد و به قانونی که از قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم استنباط شده است، پشت می‌گرداند.

اکنون در این انقلاب، امت که آرامش را از استعمار ربوده، با تعیین خطوط سرخ قضیه سرنوشت‌ساز مان جهت آزادسازی امت بزرگ محمد صلی الله علیه وسلم، ارزش‌های امت را معیار قرار داده می‌پرسیم: کسی که به مساوات فرا می‌خواند کجا و قضایای حقیقی ما کجاست؟! کسی که به مساوات فرا می‌خواند کجا و واجب بودن حکم به اساس اسلام که وحی پروردگار عالمیان است، کجاست؟! الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ﴾  
[احزاب: ۳۶]

**ترجمه:** هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که الله و پیامبرش امری را حکم کند، اختیاری (در برابر فرمان الله) داشته باشد.

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [نساء: ۶۵]

**ترجمه:** به پروردگارت سوگند که آن‌ها مؤمن نخواهند بود، مگر این‌که در اختلافات خود، تو را به داورى طلبند و سپس از داورى تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.

کسی که به مساوات مطابق دیدگاه غرب فرا می‌خواند کجا و قضیه بازی استعمار در سرزمین‌های ما مثل قانون‌گذاری، انتخاب حکام، به تاراج بردن ثروت و قتل و کشتار، کجاست؟ این همان چیزی است که الله متعال از آن نهی فرموده است:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ [نساء: ۱۴۱]

ترجمه: هرگز الله کافرا را بر مؤمنان چیره نخواهد ساخت.

کسی که به مساوات سکولریستی خیالی فرامی‌خواند کجا و محاسبه حکام بر کوتاهی‌های‌شان در قبال امکانات و قوت امت؛ چون صنعت بزرگ، ارتش وحشتناک و رعیت با کرامت سرزمین‌های آن کجاست؟ آن‌ها کجا و این همه کجاست؟! کسی که بدان فرامی‌خواند کجا و آن مردان و زنانی که بر مبنای اصالت خویش و واجب بودن امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان یک اساس محکم و قوی خواهان عمل سیاسی واجب اند، نه مشارکتی کجاست؟ الله متعال می‌فرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [توبه: ۷۱]

ترجمه: مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و الله و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ به زودی الله آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد؛ به تحقیق الله توانا و حکیم است!

### خواهران عزیز!

آیا دعوت‌گران برابری جنسیتی مدت‌ها؛ بلکه همیشه در داخل و خارج مجلس نمایندگان برای زیبا نشان دادن قانونی که این مفکوره را در کلیات و جزئیات که تحت نظارت غرب استعمارگر قرار دارد و همه را آموزش می‌دهند، دست تأیید به هم نزدند؟ آیا طرفداران مساوات در سرزمین ما از مداخله استعمار در مسیر سیاسی تونس و کشورهای جهان اسلام استقبال نکردند؟ و آیا فراخوانی تحریک‌آمیز و صریح، این همه دخالت فرانسه را در جنوب مدیترانه، یعنی تونس به یاد نمی‌آورند؟ از کی؟ از زن

حقوق‌دانی که معاون رئیس سازمان حقوق بشر تونس بود و هم اکنون رئیس فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر می‌باشد. مردم تونس از این که چگونه وی در نوامبر سال ۲۰۱۱م به صورت زنده در تلویزیون فرانسه خواستار حمایت این کشور از تونس شد، شگفت زده شدند. ما می‌دانیم که چرا قبل از آن جایزه‌ای را از نهاد زنان سال عرب در یافت کرد و چرا پس از آن او از هولاند، رئیس جمهور فرانسه نیز جایزه‌ای بدست آورد.

امروزه بعد از تسلط بر قانون‌گذاری، به‌ویژه قانون اساسی و هم‌چنان بعد از فراخوانی صریح برگشت دوباره استعمار، این موضوع از طریق منبرهای طرفداران مساوات خیالی و نظارت مستقیم کشورهای استعمارگر بر نمایندگان مجلس و خصوصاً برای زنان در حوزه قانون‌گذاری، بیشتر و خطرناک‌تر می‌شود.

در رأس سازمان‌های استعماری که بالای سیاست‌مداران و نمایندگان تونس و جهان عرب تاثیر می‌گذارد، «سازمان‌هایی چون برنامه توسعه حکومت‌داری تابع سازمان ملل»، «سازمان جهانی نمایندگان مجالس علیه فساد (GOPAC)» و «شاخه آن در جهان عرب (سازمان نمایندگان مجالس عرب علیه فساد)» را علاوه بر صندوق مشارکت عرب-بریتانیا و برنامه بنیاد وست مینستر بریتانیا برای دموکراسی را می‌یابیم.

این برنامه‌ها و نهادها برای تشکیل مجالس نمایندگان و قانون‌گذاری بر اساس سکولریزم استعماری طبق دیدگاه غرب، که زندگی سیاسی در کشور ما چگونه باید باشد، کار می‌کنند. هم‌چنان رفتار نمایندگان و تصورات‌شان در پاسخ‌گویی از بودجه عام برای دولت، مطابق خواست استعمار صورت گرفته است.

اندکی در رابطه به بنیاد «وست مینستر بریتانیا» جهت جدی بودن کارش در کشور مان درنگ می‌کنیم: یک سازمان غیردولتی انگلیسی بوده که در سال ۱۹۹۲م همگام با تغییرات سیاسی در اروپای شرقی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تاسیس شده است. کار این سازمان یک عمل پارلمانی برای تثبیت قوانین سیاسی بوده که غرب به‌طور کلی و انگلیس به‌گونه ویژه خواهان آن است. پس از آغاز انقلاب امت در تونس، این

نهاد استعماری دفاتر زیادی را در کشورهای عربی ایجاد کرد. این سازمان فعالیت خود را در اکتوبر ۲۰۱۱م در تونس آغاز نموده و کار خود را مستقیماً با مجمع مؤسسان با تامین بودجه صندوق مشارکت عرب- انگلیس آغاز نمود. زمان برنامه این سازمان سه ساله بوده که از مارچ ۲۰۱۲م الی مارچ ۲۰۱۵م می‌باشد. این سازمان نخست در عرصه قانون اساسی، سپس قانون‌گذاری دوره‌ی انتقالی و سوم به نظارت در کار دولت می‌پردازد. این جا پرسشی مطرح می‌شود که: آنان چه چیزی را به سیاست‌مداران تقلیدی و نمایندگان واگذار کرده‌اند؟

این سازمان تنها شامل تونس نه، بلکه شامل تمام مناطق عرب در ۶ و ۷ مارچ سال ۲۰۱۴م می‌گردد. تعدادی از نمایندگان مجلس مؤسسان تونس و اعضای مجلس نمایندگان یمن و کنگره ملی لیبیا در یک کارگاه آموزشی در عمان - اردن با نظارت سازمان نمایندگان مجالس عرب علیه فساد با همکاری بنیاد وست مینستر بریتانیا برای دموکراسی «گرد هم آمدند تا این که استعمار بتواند تسلطی بر قوانین رفتاری نمایندگان داشته باشد. سپس می‌گویند؛ بعد از آن فکر کردند و چاره اندیشیدند؛ چقدر زشت است آن چیزی که اینان پیروی می‌کنند!

در مورد امنیت کشور و مردم با در نظرداشت وقت، نکات مهم این موضوع را مرور خواهیم کرد. در مورد استراتژی امنیتی باید گفت که انگلیس آن را با هماهنگی استراتژیک امنیتی با الجزائر ترسیم نموده، سپس به صورت منطقه‌ای از طریق کمیته‌های مشترک امنیتی از یک طرف بین تونس و الجزائر و از سوی دیگر بین الجزائر و لیبیا اجرا می‌نماید. این در سطح استراتژیک و برنامه‌ریزی سیاسی است. غرب استعمارگر فرمان می‌راند و حکومت‌ها اطاعت می‌کنند. هنگامی که همه از سفر رئیس جمهور موقت تونس به فرانسه در مورد سطح تجهیزات امنیتی یاد می‌کند که وی در این سفر چندین توافق‌نامه را امضا کرد، پیشانی‌ها از فرط خوشی باز می‌شود، از جمله این توافق‌نامه‌ها مطالعه پروژه حفاظت از بنادر و دستیابی به تجهیزات می‌باشد که با استفاده از قروض فرانسه منعقد

گردیده است، یعنی: در گِروِ وام‌های فرانسه، مطالعه پروژه و تجهیزات!

بنابر این، قانون‌گذاری استعمار توسط سازمان‌های بین‌المللی و دیگر نهاد هایش که ممثل قانون اند، از نحوه قانون‌گذاری سیکولریزم نظارت نموده و با آن‌ها جشن می‌گیرند و با دروغ ادعا می‌کنند که این یک دست‌آورد نمایندگان مردم است، در حالی که این تجاوز به حاکمیت در قانون می‌باشد! بعد از آن مواظبت از نمایندگان، سیاسیون و انتخاب حکام نیز با نظارت غرب استعمارگر صورت می‌پذیرد که این امر در حقیقت نابود ساختن سلطه و قدرت می‌باشد. هم‌چنان استراتژی امنیتی را نیز دولت‌های استعماری ترسیم و به‌گونه منطقه‌ای و محلی تنفیذ می‌کنند که گویا این یک قانون ذاتی بوده و حکومت‌های منطقه آن را وضع کرده‌اند. این است بازی با آرمان‌ها و امنیت سرزمین‌ها!

آیا در چنین زندگی سیاسی اشتراک زن را می‌خواهند؟! آیا اشتراک آنان را در چنین سیادت برای قانون‌گذاری سکولریزم که اسلام را از زندگی ما جدا ساخته و با نظارت نمایندگان و سیاسیون بر اساس ایدئولوژی سکولریزم استعمارگر، زندگی سیاسی را از ما گرفته و امنیت مردم و کشورها را با این استراتژی وارده که ضامن شوکت، حفظ حیثیت و هیبت ما در میان دیگر کشورها نمی‌باشد، می‌خواهند؟ آیا در مقابل غرب استعمارگر که خواهان برابری مردان و زنانند، چنین تواضع و فروتنی باید کرد؟

این بدترین نوع حیات سیاسی است که مشارکت ما را در آن تحت نام مشارکت زن در فعالیت سیاسی و منصب‌های بلند می‌خواهند. زن مسلمان چنین مشارکتی را در پیروی از غرب نه؛ بلکه رقابت و پیشی‌گیری در اطاعت از پروردگارش که موجب عزت است، می‌خواهد؛ نه مشارکت را در ذلت. ما خواهان برابری با کسی که در مقابل ظلم و دیکته‌های استعمار سکولریستی سر تسلیم فرود می‌آورد، نیستیم؛ بلکه سیادت شریعت الهی و سلطه‌ی حقیقی را جستجو می‌کنیم که در مقابل دیکته‌ها گردن نهد و هم‌چنان نیرویی را می‌طلبیم که حامی حقیقی مردم بوده و از تسلط غرب بالای این امت اصیل

جلوگیری کند. در این نعمت‌ها رضای پروردگار ما و عزت دنیا و آخرت نهفته است، پس باید در آن مسابقه نماییم.

### خواهران گرامی!

اگر دعوت به برابری جنسیتی در حاکم گردانیدن اسلام و آزادی سرزمین‌ها از دست غرب و بازگردانیدن عزت و شوکت‌مان با انتخاب حاکمی که هیچ‌گونه وابستگی با غرب نداشته باشد، می‌بود، هیچ‌گاهی میان ما کشمکش به درازا نمی‌کشید؛ چون پریشانی ما الفاظ نیست و حتی اگر الفاظ و اصطلاحات هم مهم می‌بود؛ بلکه اختلاف میان ما و طرفداران برابری جنسیتی مطابق دیدگاه غرب سیکولر، یک اختلاف بنیادی در روش زندگی می‌باشد. اختلاف بنیادی میان این دو منهج:

اول:

﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ [نحل: ۸۹]

ترجمه: و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیان‌گر همه چیز است.

دوم:

﴿وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ﴾ [ملک: ۹]

ترجمه: گفتیم: الله هرگز چیزی نازل نکرده.

بنابراین تا زمانی که ما یک چهارچوکات نسازیم، وارد تفصیلات نمی‌شویم و هرگز با آنان در جزئیات احکامی؛ چون لباس، رابطه میان زن و مرد و احکام دیگر وارد بحث نگردیده و فقط مشاجره با آن‌ها در محدوده زندگی باقی خواهد ماند؛ پس یا زندان سکولر استعماری که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را به «سوراخ سوسمار» تمثیل و توصیف نموده و یاهم خلافت راشده بر اساس منهج نبوت که ما را از تنگنای دنیا به وسعت دنیا و آخرت می‌کشاند؟



در یک کلام: رقابت ما به خاطر برقراری دولت قرآن و عزت (خلافت)، بهتر از برابر بودن مان در حکومت سکولریستی استعمارگر خواهد بود. آری! ما می‌خواهیم چون آسیه که در مقابل فرعون ایستاد، باشیم؛ نه مانند مردان و زنانی که باطل را تحسین کردند!

در اخیر از الله متعال می‌خواهم تا بانوان حزب التحریر-ولایه سودان را در حمل «دعوت به خلافت، قضیه سرنوشت‌ساز» همکاری نماید و هم‌چنان زنان تونس و دیگر جهان اسلام را با برقراری خلافت‌شان در کنار مردان امت و رقابت برای خیر و آزادسازی سرزمین‌ها و بندگان سهم فعال بخشد.

﴿... قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾ ﴿١٥﴾ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ ﴿...﴾ [مانده: ١٥-١٦]

ترجمه: پیامبر ما به‌سوی شما آمد و از بسیاری از آن (که فعلاً افشای آن مصلحت نیست) صرف نظر می‌نماید. (آری) از طرف الله نور و کتاب آشکاری به‌سوی شما آمد. الله به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت هدایت می‌کند.

**والسلام علیکم و رحمت الله وبرکاته!**

## خانواده؛ نخستین دژ در برابر مزدوری و خاستگاهی برای دولت‌مردان!

سیاس پروردگاری را که ما را با دین مقدس اسلام و اسلام را با دولتی که احکام الهی را در تمام امور زندگی تطبیق می‌نماید و دولت اسلامی را با مکلف نمودن حمل رسالت‌اش در تمام جهان، عزت بخشید. سیاس پروردگاری را که زنان را با خواهر قرار دادن برای مردان عزت بخشید و درود و سلامتی به رهبر، معلم و الگوی ما که رحمت برای جهانیان مبعوث گردیده است؛ کسی که نخست خودش سیاسی بود و بعد از کتله‌سازی، دولت اسلامی را در مدینه منوره تاسیس نمود و با مشرکان به مبارزه و با مخلصان به نصرت پرداخت و درود و سلامتی به آل و اصحاب بزرگوارش؛ اعم از انصار و مهاجرین که از آنان خلفاء، والیان، قضات و فاتحان پدید آمد. سلام و رحمت و برکات الله نثاران باد!

به درستی اسلام هرگز یک قلب را ماندگار نمی‌سازد؛ مگر این که آن را متحول کرده باشد و هر نفسی با آن قابل ارتقا است. بنابر این، اصحاب رضی الله عنهم پس از روی آوردن به عقیده اسلامی، از چوپان بودن به رهبران امت‌ها تغییر یافتند و هم‌چنان مسلمانان در هر زمان و مکانی که بذر عقیده در آن رشد کرده باشد، از امانت دینی خودداری نکرده و تلاش می‌کنند تا اسلام را به‌عنوان نور و رحمت برای جهانیان حمل کنند.

خانواده اولین مدرسه‌ای است که بذر را پرورش می‌دهد و فرزندان با شکل‌گیری شخصیت‌های اسلامی و قرار گرفتن‌شان در مسیر درست، به‌درستی پرورش می‌یابند. بناءً لازم است تا خانواده «مردان آینده» را با مفاهیم راستین اسلامی که بر رفتار تاثیر می‌گذارد، آبیاری کند تا آنان بتوانند دولت‌مردان قدرت‌مندی بار آیند.

هنگامی که مسلمانان اسلام را تطبیق نموده و خود را با آن متقف ساختند، در نتیجه هزاران تن به‌وجود آمدند که صفت دولت‌مرد بودن را داشتند، برابر است که در میان آنان کسانی چون عمر، علی، معتصم، عقبه بن نافع، صلاح الدین ایوبی و محمد فاتح رحمهم

الله در حکم بودند و یا مانند ابن عباس، عز بن عبدالسلام، احمد بن حنبل و ابن تیمیه رحمہ الله علیہم، در میان رعیت باقی ماندند؛ زیرا همه‌ی آنان بر اساس آموزه‌های اسلام و احکام ناشی از آن، اظهار نظر کرده و اگر اجرایی در حکم و یا توضیح و محاسبه‌ای خارج از حکم می‌بود، راه‌حلهایی را ارائه داده و مسیر سیاسی را طی می‌کردند. همه آنان این احساس را داشتند که در قبال راهنمایی و اطلاع‌رسانی برای مردم جهت دعوت به سوی اسلام و تطبیق اسلام بالای آنان و حل مشکلاتشان بر مبنای وحی الهی، مسوول می‌باشند.

امروزه هنگامی که واقعیت خود را بررسی می‌کنیم، نبود دولت مردان را در مجراهای تصمیم‌گیری احساس می‌نماییم و اگر کسی هم امروز در دولت باشد، از شخصیت دولت‌مرد بودن برخوردار نیست و آنان کسانی‌اند که توانایی فکر کردن، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در رابطه به مصالح امت را نداشته و همه این موارد را به دولت‌های استعمارگر واگذار می‌کنند تا از این امور مراقبت کرده و به سرنوشت کشورها دست یابند. در نتیجه‌ی این کار، حکام و متنفذین ما مانند موظفین و اجیران در آمده‌اند.

### ای زنان مسلمان و آگاه!

امروز برجسته‌ترین نقش خانواده این است که یک دولت‌مرد را به جهان تقدیم کند. به این معنی که جوانان با دیدگاه‌های سیاسی به اساس اسلام و مفاهیم رهبری پرورش داده شوند و این نوآوری با سیاست‌های امروزی که مملو از تقلید و شبیه‌سازی، حرکت در عقب غنایم مادی و سیاسی فوری و هم‌چنان بدست آوردن رضایت قدرت‌های استعماری می‌باشد، قابل حصول نیست. در عوض، این نقش را فقط می‌توان از طریق نهادینه‌سازی مفاهیم، رعیت‌داری و مقابله با کشورهای استعماری قابل حصول ساخت.

در این جا مجموعه‌ای از مفاهیم بزرگ را ارائه می‌دهیم که تشکیل‌دهنده دولت‌مردان می‌باشد؛ افتخار در دعوت به برقرار ساختن احکام اسلامی در تمام عرصه‌ها، احساس مسوولیت و استعانت از الله متعال، نه از ترس مردم و حرص و طمع با آن‌چه که دارند،

وفاداری به اسلام و مسلمانان، قوت استدلال و ترویج فضیلت امر به معروف و نهی از منکر، همه‌ی این‌ها مفاهیم برجسته سیاسی در اسلام می‌باشند.

پس عزت در فراخوانی جهت برپایی احکام الله متعال در همه امور و هدایت مردم به این امر بزرگ می‌باشد، الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ ﴿۳۳﴾ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ [فصلت: ۳۳-۳۴]

**ترجمه:** چه کسی خوش‌گفتارتر از آن کس است که دعوت به سوی الله می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: «من از مسلمانانم!»؟ هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کسی که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است!

آری! چه کسی خوش‌گفتارتر از آن کسی است که دعوت به سوی الله کرده و عمل صالح انجام می‌دهد؟! و می‌گوید: «من از مسلمانانم!» نیکی در اموری که مردم را به سمت برپایی و گسترش اسلام سوق می‌دهد، عبارت از مفاهیمی است که بذریه را کاشته، جهان را با تمدن و علم پر نموده و برای مسلمانان گروهی از مفکرین و رهبران بزرگی را به بار آورده است و مفتخراند که آنان وارثان پیامبراند و آنان خود را مکلف به حمل دعوت خیر و قربانی دادن در راه الله می‌دانند.

### اما احساس مسوولیت در قبال همه‌ی مردم!

کسی که تربیه را بر مبنای این اصل آغاز نمود، در مورد او رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«أَيُّمَا رَاعٍ اسْتَرْعَى رَعِيَّةً فَعَشِيهَا فَهُوَ فِي النَّارِ.»

**ترجمه:** هر مسوولی که مسوولیت سرپرستی رعیتی را داشته باشد (و مسوولیت خود را

در قبال آن‌ها ادا نکنند و در ادا کردن حقوق آن‌ها کوتاهی کرده) متوسل به غش و تزویر شود، جایگاهش دوزخ است.

«کلکم راع وکلکم مسوول عن رعیتہ.»

ترجمه: همه‌ی تان مسوول هستید و تمام‌تان مسوول زیردستان خود هستید!

در این صورت او فقط می‌تواند از وزن مسوولیت خود آگاه باشد؛ ولی اگر کسی دیگری تربیه را بر مبنای این اصل بنا نمود:

«من لم یهتم بأمر المسلمین فلیس منهم.»

ترجمه: اگر کسی به امور مسلمانان توجهی نداشته، از آنان نخواهد بود.

در این صورت وی فقط می‌تواند سیاست‌مداری باشد که به امور عمومی اهمیت می‌دهد. این امر مستلزم درخواست کمک از الله متعال و چنگ زدن به دین وی و نداشتن ترس و حرص در اموال مردم می‌باشد. از عبدالله بن عباس روایت شده است که گفت: روزی در پشت سر پیامبر صلی الله علیه وسلم بر مرکب‌شان سوار بودم و ایشان فرمودند: «يَا غُلَامُ إِنِّي أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ: أَحْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظَكَ، أَحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ تُجَاهَكَ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعْتَنْ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ، وَاعْلَمْ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَىٰ أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ، لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ، وَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَىٰ أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ، لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، رُفِعَتِ الْأَقْلَامُ، وَجَفَّتِ الصُّحُفُ.» (رواه الترمذی)

ترجمه: فرزندم چند سخن برایت تعلیم می‌دهم: الله را حفظ کن تا ترا حفظ کند. به یاد الله باش، او را در برابرت می‌یابی. اگر چیزی می‌خواهی از الله بخواه، اگر یاری می‌جویی از الله بجو و بدان که اگر تمام مردم جمع شوند تا به تو نفعی برسانند، نفع رسانده نمی‌توانند، مگر چیزی را که الله برایت نوشته است. اگر همه جمع شوند تا به تو ضرری برسانند، ضرری به تو رسانده نمی‌توانند، مگر آن‌چه الله برایت نوشته و مقدر کرده است. قلم‌ها برداشته شده و صحیفه خشک گردیده است.»

طلب کمک از الله متعال و نداشتن ترس و حرص در اموال مردم، بزرگ‌ترین دژ محکم برای جگرگوشه‌های ما در مقابل لذت‌های امروزی، اعم از خیانت به امت، ماندن در کنار ظالمان و غرب استعمارگر می‌باشد که با درک این قول الله متعال در امان مانده‌اند:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ [نساء: ۱۴۱]

ترجمه: و الله هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.

به همین ترتیب، شکل‌گیری شجاعت در گفتگو و گرفتن حقوق و امر به معروف و نهی از منکر، موقف پسری را با خلیفه مسلمانان یادآور می‌شویم. هنگامی که عمر بن خطاب رضی الله عنه خلیفه مسلمانان بود، از جایی عبور می‌کرد که عبدالله بن زبیر رضی الله عنه با اطفال مصروف بازی بودند، وقتی اطفال حضرت عمر رضی الله عنه را دیدند، پا به فرار گذاشتند؛ اما ابن زبیر ایستاد و عمر رضی الله عنه به وی گفت: چرا فرار نکردی؟ گفت: من گناهی نکردم که از تو بترسم و جاده هم باریک نبود که راه را برای تو می‌گشودم. ببینید که چگونه رهبران با شجاعت و قوت استدلال بزرگ می‌شوند. این در رابطه به گفتگو بود؛ اما در مورد امر به معروف و نهی از منکر، این قول رسول الله صلی الله علیه وسلم کافی است:

«سید الشهداء حمزة بن عبدالمطلب ورجل قام إلى إمام جائر فأمره ونهاه فقتله.»

ترجمه: سرور شهدا حمزه بن عبدالمطلب است و مردی که در مقابل حاکم ظالم قیام می‌کند و او را امر به معروف و نهی از منکر کند و به دست او کشته شود.

از این، چنین نتیجه گرفته می‌شود که این امر باعث می‌شود تا یک رهبر بی‌باک بوده که هراسی از نفس خود نداشته و تمام امورش برای الله متعال می‌باشد.

**خواهران گرامی و آگاه!**

این‌ها همان مفاهیم مهم رهبری سیاسی‌اند که یک دولت‌مرد آگاه و رهبر خلاق را به وجود می‌آورد. امروز وزارت امور زنان و خانواده‌ی تونس، وزارت آموزش و پرورش، مرکز تحقیقات و مطالعات و مؤثق ساختن اسناد و اطلاعات مربوط به زنان (credif)،

دیده‌بان رسانه‌ها و توثیق مطالعات در رابطه به حمایت از حقوق اطفال (observatoire- enfance) و سایر ساختارهای دولتی کجا و این اساسات و مفاهیم سیاسی محکم کجا اند؟ یا این که برای آنان مطالعات استعمار غربی در تحقیقات و اجراآت از آیات پروردگار و احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم اهمیت بیشتر دارد؟ یا این که سکولریزمی که اسلام ما را از زندگی مان جدا می‌سازد، بهتر از وحی پروردگار عالمیان است؟

**پس ای حاضرین محترم، مادران عزیز و ای مسلمانانی که از الله استعانت می‌خواهید!**

با توجه به این سهل‌انگاری رسمی دولت در رابطه به امانت، مسوولیت ما چند برابر گردیده و فرزندان ما به گونه‌ی امانت نزد ما باقی مانده و سرنوشت امت در دست ما قرار می‌گیرد. بناءً به خاطر تربیه مردان و زنانی که جهت بزرگی و جلال دین‌شان کار کنند و وجود آنان در میان امت باعث افتخار گردد، تلاش کنید.

دشمنان اسلام می‌دانند که زنان مسلمان سنگ‌بنای دولت و دولت‌مردان و سیاست‌مداران آگاهی اند که مزدوری را مردود می‌دانند. این مردان همان مردان خلافت راشده خواهند بود، إن شاء الله. آری! غرب این را می‌داند. بدین اساس کنفرانس‌ها و توطئه‌هایی در سرزمین‌های ما برگزار می‌شود تا زنان و خانواده را از نقش بزرگ‌شان منحرف سازند. بناءً آنان شعارهایی که ظاهراً رحمت و در حقیقت فریب و ضرر می‌باشد، سر می‌دهند. پس شما زنان سیاست‌مدار، آگاه و روشنی باشید که امت را به راه نجات هدایت می‌کنند. شما نوه‌های حقیقی خنساء باشید؛ وی به جهانیان آموخت که چگونه یک مادر، قهرمانی و ایثار را در فرزندان خود ایجاد می‌کند و چگونه یک زن مسلمان با پروردگار خود قوی گردیده و با دین‌اش عزیز می‌شود. الله متعال می‌فرماید:

﴿بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ [تحریم: 6]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌ی خویش را از آتشی که همیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت‌گیرند و هرگز فرمان الله را مخالفت نمی‌کنند و آن‌چه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند!

**والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته**



## قانون اساسی کجا و سوره‌ی نور کجا؟

والصلاة والسلام على رسوله وآله وصحبه أجمعين .

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ  
﴿٥٥﴾ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالِيُونَ﴾

[مائده: ٥٥-٥٦]

**ترجمه:** سرپرست و ولی شما، تنها الله است و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که (خاضعانه) نماز را برپا می‌دارند و زکات مال بدر می‌کنند. و کسانی که ولایت الله و پیامبر او و افراد باایمان را بپذیرند، پیروزند؛ (زیرا) حزب و جمعیت الله پیروز است.

قانون اساسی کجا و سوره نور کجا؟! یعنی قانون وضعی مجلس نمایندگان کجا و سوره نور کجا؟

چرا سوره نور؟ آری! این سوره بزرگ از وحی پروردگار جهانیان، مفاصل بزرگی را برای سازمان‌دهی زندگی ما تنظیم می‌کند. بنابر این، احکام قانون اساسی را با احکام سوره نور در دو بخش موازنه خواهیم کرد:

**اول:** حاکمیت در قانون‌گذاری و معنی ثقافت/فرهنگ؛

**دوم:** تفاوت میان حق و باطل.

**در مورد حاکمیت در قانون‌گذاری یا ساده‌سازی منبع قانون:**

مصدر قانون اساسی، ترکیبی از مصادر قانونی و تاریخی بوده که در پیش‌نویس مشهود است؛ همان‌گونه که در پیش‌نویس گفته‌اند: «بیان‌گر پای‌بندی مردم ما به آموزه‌های اسلام و اهداف آن با صراحت و اعتدال و ارزش‌های انسانی و مبادی جهانی حقوق بشر بوده و هم‌چنان الهام‌بخش تعادل تمدنی پی‌درپی تاریخ و جنبش اصلاح‌گرایی

روشن‌فکرانه‌ی ما مبتنی بر مبانی هویت عربی و اسلامی به سود تمدن انسانی و به همین صورت بیان‌گر پای‌بندی به دست‌آوردهایی که مردم ما بدان نایل آمده‌اند، می‌باشد.» در این‌جا ترکیب بزرگ را از مصادر قانون‌گذاری با استناد به تعریف آموزه‌های اسلام که استعمار آن را همسو و معتدل با حقوق بشر توصیف نموده است، مطابق دیدگاه غرب می‌باشد، سپس به تاریخ و جنبش اصلاح طلب و اختلافات و تضادها با استناد به هویت عربی-اسلامی و کسب تمدن انسانی اشاره می‌کند.

این همه کجا و این قول الله متعال کجا که می‌فرماید؟:

﴿وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ﴾ ﴿٤٨﴾

وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿٤٩﴾ أَفِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحْيِفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ أَوْلِيكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥١﴾

[نور: ٤٨-٥١]

ترجمه: و هنگامی که از آنان دعوت شود که به‌سوی الله و پیامبرش بیایند تا در میان‌شان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان روی‌گردان می‌شوند؛ ولی اگر حق داشته باشند (و داوری به نفع آنان شود) با سرعت و تسلیم به‌سوی او می‌آیند. آیا در دل‌های آنان بیماری است، یا شک و تردید دارند، یا می‌ترسند الله و رسولش بر آنان ستم کنند؟! نه، بلکه آن‌ها خودشان ستم‌گردد! سخن مؤمنان، هنگامی که به‌سوی الله و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم!» و این‌ها همان رستگاران واقعی هستند.

آیا این آیات سوره نور، حالت کسانی را که از سیادت شریعت روی‌گردان هستند،

بیان نمی‌کند؟

﴿وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ﴾ [نور: ۴۸]

**ترجمه:** و هنگامی که از آنان دعوت شود که به‌سوی الله و پیامبرش بیایند تا در میان‌شان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان روی‌گردان می‌شوند.

آیا این آیات نباید مردان و زنان مسلمان را ملزم به رعایت کامل حاکم قرار دادن اسلام کند؟

﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [نور: ۵۱]

**ترجمه:** سخن مؤمنان، هنگامی که به‌سوی الله و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم!» و این‌ها همان رستگاران واقعی هستند.

**پس این قانون اساسی کجا و قانون سوره نور کجاست؟**

**در مورد ثقافت/فرهنگ در قانون اساسی و جدایی میان حق و باطل:**

یک مفهوم مبهمی را به‌وجود آورده که تنها ناامیدی ثقافتی را در پی داشته و اذهان را نابود می‌کند. در فصل (۴۲) چنین آمده است: «حق در فرهنگ و آزادی خلاقیت تضمین شده است. دولت خلاقیت فرهنگی را تشویق نموده و فرهنگ ملی را در ریشه، تنوع و تجدید آن به‌گونه‌ای حمایت می‌کند که ارزش‌های یکدیگرپذیری، نفی خشونت و روی آوردن به فرهنگ‌های مختلف و گفتگو میان تمدن‌ها را زنده کند.»

پس این ثقافت/فرهنگ در قانون اساسی چه مفهومی داشته و کاربرد آن چیست؟ در بعضی مواقع وطن‌پرستانه آمده و این که معنی ثقافت/فرهنگ ملی و افکار از هم متفاوت می‌باشد، چه بوده که همه می‌گویند این ثقافت/فرهنگ کشور است؟! و معنی تنوع و تجدید آن چه می‌باشد؟

این تعاریف کجا و وضاحت قول الله در سوره نور کجا؟!

﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ [نور: ۵۲]

ترجمه: و هرکس الله و پیامبرش را اطاعت کند و از الله بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند!

یعنی ثقافت واضح و مبتنی بر عقیده‌ی اسلام. آن کجا و نیاز تعلیم و تربیه جوانان

مطابق احکام اسلام وارده درین آیه سوره نور کجا؟

﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ

لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [نور: ۵۹]

ترجمه: و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند، باید اجازه بگیرند، همان‌گونه اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند؛ این چنین الله آیاتش را برای شما بیان می‌کند و الله دانا و حکیم است!

آری! قانون اساسی کجا و سوره نور کجا؟

جدایی میان حق و باطل:

گفتن این که گشودن راه برای ثقافت‌های مختلف و گفتگو میان تمدن‌ها بدون

مشخص نمودن نحوه گفتگو... آیا این میان حق و باطل است یا میان تابع و متبوع؟ این فرار از مسوولیت واقعی بوده که انسان‌ها را به نابودی می‌کشاند.

این کجا و این قول الله متعال که در سوره نور آمده، کجا؟

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا

وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوْقَاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [نور: ۳۹]

ترجمه: کسانی که کافر شدند، اعمال‌شان هم‌چون سرابی است در یک صحرای خشک و سوزان که انسان تشنه از دور آن را آب می‌پندارد؛ اما هنگامی که به سراغ آن می‌آید، چیزی نمی‌یابد و الله را نزد آن می‌یابد که حساب او را به‌طور کامل می‌دهد و الله سریع الحساب است!

بنابر این، قانون اساسی را که ما می‌خواهیم و دولتی را که خواهان آن هستیم، این قانون بی‌خاصیت و متناقض نیست؛ بلکه دولتی را می‌خواهیم که از جانب پروردگار جهانیان برای ما وعده داده شده و قانون اساسی آن از قرآن عظیم‌الشان گرفته شده است. ما به خاطر برقراری آن شب و روز تلاش می‌نماییم تا پروردگار برای ما خلافت راشده را به اساس منهج نبوت نصیب فرماید؛ یعنی خلافت روی زمین، همان‌گونه که الله متعال برای مسلمانان قبل از ما اعطا کرده بود. با داشتن این حکومت، دین ما قدرت‌مند گردیده و بدون کمی و کاستی بر مبنای اسلام حکم خواهیم کرد و خوف ما به امنیت سیاسی مبتنی بر وحی پروردگار جهانیان تبدیل خواهد شد که وی جل جلاله را اطاعت نموده و کسی را به وی شریک نمی‌آوریم. مصداق گفته ما این قول الله متعال می‌باشد:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [نور: ۵۵]

ترجمه: الله به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقانند.

### خواهران گرامی!

الله متعال عمر بن خطاب رضی الله عنه را رحمت نماید که به اهل کوفه چنین نوشته بود: «به زنان تان سوره نور را بیاموزانید!» به این دلیل که این سوره متضمن مفاهیم بزرگ دستوری بوده که چراغ هدایت برای همه‌ی مسلمانان و به‌ویژه برای زنان مسلمان می‌باشد. شاید این اساسی برای درک و آگاهی از تاسیس دولتی همانند دولت رسول الله صلی الله

علیه وسلم باشد. پس به آن و اسلام‌تان تمسک بجویید که عزت دنیا و نجات آخرت در آن نهفته است.

**والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته**

## فرجامین سخن

همایش سیاسی: کدام مساواتی را برای زن می‌خواهند؟ و ما خواهان کدام قانونی هستیم؟

حزب التحریر به‌عنوان یک حزب سیاسی مبتنی بر عقیده اسلامی و احکام شرعی بوده و واقع‌بینانه در جامعه فعالیت می‌کند. الله متعال می‌فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۴]

**ترجمه:** باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگارانند.

به این حزب مردان و زنان برای ادای فریضه فعالیت فکری و سیاسی می‌پیوندند. بنابر این، بخش زنان حزب التحریر-تونس به موارد زیر تأکید می‌ورزد:

۱. همان‌گونه که همگی این امر را در قانون اساسی درک نموده بودند، زندگی سیاسی امروز در تونس و تمام جهان اسلام مبتنی بر قانون‌گذاری سیکولریستی بوده که اسلام را از زندگی مسلمانان با نظارت غربی‌ها در تمام اصول و جزئیات جدا می‌سازد. هم‌چنان کشورهای استعماری از طریق سازمان‌های خود برای روی کار آوردن سیاسیون، نمایندگان و تحمیل حکامی که منافع استعمار را تضمین کنند، تلاش می‌ورزند تا در مقابل جریان سیاسی اسلامی، که هدف آن تاسیس خلافت است، بایستند. بنابر این، ما امتناع خود را از شرکت در تحکیم استعمار، از لحاظ فکری، قانون‌گذاری و ربودن زندگی سیاسی زیر نام شعارهای غلطی؛ مانند: «مشارکت زنان در کارهای سیاسی و به‌دوش گرفتن منصب‌های بلند»، اعلان می‌داریم! همان‌گونه پیوستن به کسانی را که تابع ظلم و دیکته‌های غرب بنام مساوات‌اند، نمی‌پذیریم. و از همه، اعم از مردان و زنان، می‌خواهیم تا دست به‌دست هم

داده و به خاطر تاسیس خلافت راشده مطابق منهج نبوت فعالیت نمایند و به «مساوات» نه بگویند؛ مساواتی که به رضایت استعمار می‌انجامد.

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [توبه: ۷۱]

ترجمه: مردان و زنان باایمان، ولی (ویار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و الله و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ به زودی الله آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد؛ الله توانا و حکیم است!

۲. ما به افشای اقدامات خصمانه‌ی استعمار در رابطه به قانون‌گذاری، سیاست، حکم و حکامان ادامه خواهیم داد تا این که افراد مخلص با درک اصالت این ابزارها، مزدوران و خائنان از اطراف آنها متفرق شده و رهبران حقیقی خود را بشناسند و دیگر فریب وعده‌های دروغین آنان را نخورند. بنابر این، ما نه تنها با گفتار؛ بلکه با طرح سوالات آتشین و آگاهی‌دهی در مورد واقعیت‌ها همه چیز را ثابت خواهیم کرد. الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ﴾ ﴿۲۰۴﴾ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾ [بقره: ۲۰۴-۲۰۶]

ترجمه: و از مردم، کسانی هستند که گفتار آنان، در زندگی دنیا مایه شگفتی تو می‌شود؛ (در ظاهر، اظهار محبت شدید می‌کنند) و الله را بر آن چه در دل دارند گواه می‌گیرند. (این در حالی است که) آنان، سرسخت‌ترین دشمنانند. (نشانه آن، این است که) هنگامی که روی برمی‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند؛ (با این که می‌دانند) الله



فساد را دوست نمی‌دارد. هنگامی که به آن‌ها گفته شود: «از الله بترسید!» (لجاجت آنان بیشتر می‌شود) و لجاجت و تعصب، آن‌ها را به گناه می‌کشاند. آتش دوزخ برای آنان کافی است و چه بد جایگاهی است!

۳. بدون شک، حزب‌التحریر همان‌گونه که امت برایش تعهد سپرده است که با مبارزه علیه تخریب اذهان جوانان و گسترش مفاهیم انزواگرایانه و شکست در مقابل استعمار، افکار و نظام‌هایش همیشه حکومت و مقامات رسمی را محاسبه خواهد کرد. ما هم‌چنان از همه، اعم از مردان و زنان، سازمان‌ها، احزاب، کارشناسان و دانشگاهیان خواستار فشار سیاسی موثر هستیم تا مفاهیم و جوبی دعوت تاسیس نظام اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر در جامعه فعال گردیده و احساس مسوولیت نماییم و بر بهترین امت بودن مان در میان مردم جهان، فخر ورزیم تا این مفاهیم به مفاهیم سیاسی و رهبری مبدل شود که دولت‌مردان را به میان آورد و مطابق آن، نسل‌ها پرورش یابند و این موضوع مورد پژوهش و فهم قرار گیرد؛ نه آن مفاهیم سیکولریستی استعماری که افکار فرزندان مان را با حمایت رسمی دولت‌ها منحرف سازند. الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾

[فصلت: ۳۳]

ترجمه: چه کسی خوش‌گفتارتر از آن کس است که دعوت به سوی الله می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: «من از مسلمانانم»؟!

۴. از زنان تونس و جهان اسلام می‌خواهیم تا نسبت به توطئه‌هایی که علیه آنان صورت گرفته است، هوشیار و بیدار باشند تا آن‌ها را از یاری رساندن به دین اسلام و فعالیت سیاسی در پرتو آن باز ندارند.

از زمانی که استعمار نقش اساسی زن مسلمان و توانایی موثرش را در تغییر واقعیت، ایستادگی در مقابل ظلم، پرورش سیاست‌مداران، دولت‌مردان آگاه و تشکیل خانواده

قدرت‌مند و صالح و امر به معروف و نهی از منکر، می‌داند، به این نتیجه رسیده است که فقط می‌تواند با استفاده از قضیه‌ی زنان به معنی سکولری غربی، حربه‌ای را علیه عقاید و احکام اسلام بسازد و با ایجاد مغالطه‌ها و طرح موضوعات بیهوده و زمان‌گیر، زنان مسلمان را از نقش مهم سیاسی‌شان باز دارد. بناءً هیچ چاره‌ای برای مردان و زنان مسلمان به‌خاطر رهایی از این توطئه‌ها به جز از فعالیت سیاسی جهت تاسیس خلافت بر منهج نبوت، وجود ندارد. الله متعال می‌فرماید:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [نحل: ۹۷]

ترجمه: هرکس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیات پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.

همه‌ی آنان در راه‌اندازی پروژه عزت و بازیابی با اراده‌ی کامل سیاسی تا زمانی با یکدیگر رقابت می‌کنند که به بهترین امت در میان مردم بازگردیم. الله متعال می‌فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل‌عمران: ۱۱۰]

ترجمه: شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید؛ (چه این‌که) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به الله ایمان دارید.

در همین راستا عزم بخش زنان حزب‌التحریر تونس را برای شروع یک کمپاین تفاعلی با همه طبقات رسمی و فعالان سیاسی زن و با همه زنان تونس برای آشنایی آنان با قضیه سرنوشت‌سازشان، اعلان می‌داریم که این یک اقدام سیاسی موثر برای ایجاد دولت اسلام و قرآن (خلافت) بوده که بشارت آن را رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین داده است:

«...ثم تكون الخلافة على منهج النبوة.»

ترجمه: ...سپس خلافت بر منهج نبوت خواهد بود...

بدون شک، ما می‌دانیم که سرزمین پاک تونس همان سرزمین ست که انقلاب امت از آن آغاز شده و قرن‌ها چراغ خلافت در شمال افریقا بوده است و این را هم می‌دانیم که زنان تونس برای کسب افتخار تاسیس خلافت، واجد شرایط بوده و توانایی آن را دارند که سیاست‌مداران و رهبران آگاه باشند تا این رسالت بزرگ را که قانون آن نگاشته شده و امت با آن در تعامل است، تحقق بخشند تا استعمارگران و ظالمان را عصبانی و قلب مؤمنان را شفا دهند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَعَلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ

بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [انفال: ۲۴]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت الله و پیامبر را اجابت کنید؛ هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد! و بدانید الله میان انسان و قلب او حایل می‌شود و همه شما (در قیامت) نزد او گردآوری می‌شوید!

و من الله توفيق



امت کتاب

[www.ummatproduction.com](http://www.ummatproduction.com)